بنیانگذاری دموکراسی

کمال آذری

مقدمه

بحران دموکراسی در این جهان مدرن، نهادی و در عین حال فرهنگی است. اغلب فرض را بر این می‌گذارند که دموکراسی تفکری جهانی است و می‌توان آن را از جامعه‌ای به جامعه دیگر منتقل کرد، همچون مجموعه‌ای از رویه‌ها وارد کرد یا از موردی تاریخی به مورد دیگر انتقال داد. اما دموکراسی ما در رعمل نمی‌توان به این سادگی پیوند زد. چنین نظامی باید درون جامعه و از طریق دگرگونی تدریجی پایه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ساخته شود. دموکراسی نه‌فقط سازوکاری سیاسی، بلکه شیوه‌ای زیسته برای سامان‌دهی به زندگی جمعی است و صرفاً رانی ریشه‌ می‌دواند که ساختارهای اجتماعی و نهادهای اقتصادی موجود فضایی برای رشد در اختیارش قرار بدهند. سختی برپایی دموکراسی دقیقاً در همین الزام به دگرگونی نهفته است. انتخابات رسمی، قانون اساسی یا احزاب سیاسی به‌تنهایی نمی‌توانند زندگی دموکراتیک را تضمین کنند. رویه‌های انتخاباتی بدون برخورداری از اعتماد اجتماعی، عدالت اقتصادی و انسجام فرهنگی، به رویه‌هایی توخالی می‌مانند و چه‌بسا نظام‌های استبدادی دستکاری‌شان کنند. تجربه بسیاری از جوامع بسامندادی نشان می‌دهد که اگر دموکراسی به‌جای نظم اجتماعی-اقتصادی و اخلاقی، صرفاً فرمولی فنی تلقی شود، از بین خواهد رفت. بنیان‌گذاری موفقیت‌آمیز دموکراسی باید بر پایه سنت‌هایی محلی، واقعیت‌هایی مادی و پیوندهایی فرهنگی استوار باشد که جامعه را درگذر از تعارض و دگرگونی به هم پیوند بزنند. این رویکرد در ایران به معنای برپایی نظم دموکراتیک نوین در قالب ساختاری بومی است. نه مدلی وارداتی. جغرافیا و تاریخ این کشور بنیاد چنین رویکردی را فراهم می‌آورند. بالغ بر ۳۱۰ حوزه انتخاباتی پارلمانی که هرکدام نماینده تقریباً ۲۷۵ هزار شهروند بوده‌اند. بیش از ۴۰ سال پایه انتخابات قرار گرفته‌اند. این واحدها به هر حال برای مردم آشنا هستند و می‌توانند به دولت‌های محلی اصیل تبدیل شوند. در ضمن، ثروت طبیعی فراوان ایران به‌طور همزمان ریسک و فرصت فراهم می‌کند. اگر از این ثروت طبیعی محافظت نشود، فشری خاص آن را تصاحب می‌کنند و به فساد و نابرابری دامن خواهند زد. اما اگر در صندوقی ملی حفظ شود، بلیه مادی اقتصادی مشارکتی می‌شود که فرصتی برای شکوفایی در اختیار دموکراسی قرار می‌دهد. بنیاد اخلاقی این ساخت در مفاهیم ایرانی آبشار می‌شود و نه‌تنها نهاد است. اشا، اصل حقیقت و نظم کیهانی، بر آن است که حکمرانی باید شفاف، عادلانه و همسو با واقعیت باشد. نه فریب. مهر، اصل عشق، پیمان و همبستگی، بر آن است که شهروندان در تعهد متقابل و اعتماد به یکدیگر پیوند خورده‌اند. اشا و مهر در کنار هم زبانی اخلاقی ایجاد می‌کنند که می‌تواند همه ایرانیان را فراتر از شکاف‌های طبقاتی، منطقه‌ای و اعتقادی متحد کند. آنها اجرای دموکراسی را نه صرفاً به‌عنوان رویه‌ای و اردانی، بلکه همچون بارگشتی به منابع اخلاقی عمیقاً ریشه‌دار در تمدن ایرانی تضمین می‌کنند. بنابراین، مدلی که در این مقاله ارائه می‌شود، دموکراسی همزمان مشارکتی و اجتماعی-اقتصادی را پیش‌رو قرار می‌دهد. هر شهروندی، از منظر سیاسی، موظف است در شوراهای چرخشی خدمت کند و هرماه تا ۱۰ ساعت مشارکت اجتماعی داشته باشد. هر بنگاه تجاری، از منظر اقتصادی، باید ۲۰ درصد از سهامش را به جامعه اختصاص بدهد. منابع نفت و گازکشور هم در صندوق سرمایه ملی حفظ می‌شود و وری کارآفرینی و توسعه سرمایه‌گذاری می‌کند. این مدل با پیوند حقوق سیاسی به تعهدات اقتصادی و اخلاق فرهنگی شرایطی می‌آفریند که دموکراسی فراتر از تفکری انتزاعی شکل بگیرد. دموکراسی به شیوه‌ای زیسته بدل می‌شود که از طریق نهادها ساخته شده است، اما همبستگی پایدار مانده و با منابع مشترک ممکن شده است. بخش‌های بعدی پایه‌های فلسفی این مدل را در سنت‌های دموکراسی مشارکتی، جمهوری‌گری مدنی، کمونیتاریسم و نظام اخلاقی ایرانی مهر و اشا توسعه می‌دهند. سپس طراحی نهادی به تفصیل تبیین می‌شود و تحلیل مقایسه‌ای با پیشینه‌های تاریخی و مدرن ارائه می‌شود. مزایا و چالش‌های این نظام ارزیابی می‌شوند و مقاله با بررسی امکان‌پذیری اجرای این مدل به پایان می‌رسد. به‌عنوان بخشی از کارآمد دموکراتیک و به‌مثابه چارچوبی با اهمیت گسترده‌تر برای جوامعی که با بحران‌های مشابه حکمرانی روبه‌رو هستند.

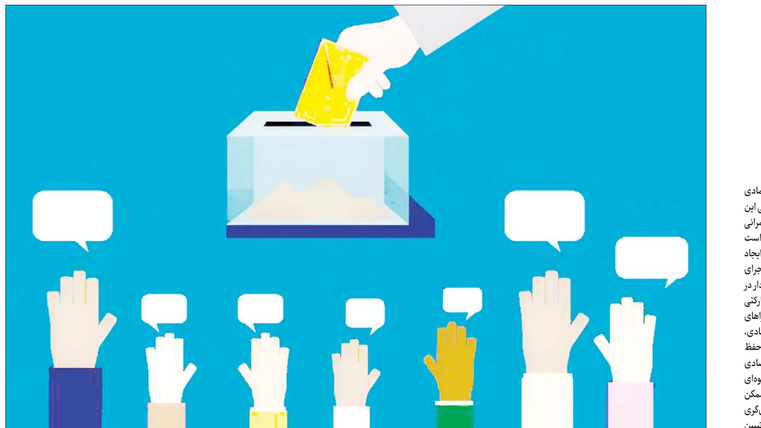

بخش اول: پایه‌های فلسفی و تاریخی

دموکراسی، عملکرد ساختاری

تاریخ دموکراتیزاسیون نشان می‌دهد که دموکراسی را نمی‌توان وارد یا تحمیل کرد. تلاش‌ها برای بازتولید شکل‌های دموکراتیک غربی در زمینه‌های غیرغربی، بدون تطبیق آنها با سنت‌های محلی، اغلب ناکام مانده است. البته نهادهای رسمی همچون قانون اساسی، انتخابات یا پارلمان‌ها را می‌توان کپی کرد. اما همه اینها بدون برخورداری از پایه‌های اجتماعی، شکننده هستند. بار مشاهدات ارنست دال، دموکراسی مستلزم چیزی فراتر از رویه‌هاست: فرهنگی مشارکتی می‌خواهد. اقتصادی که از سلطه جلوگیری کند و نهادهایی که برابری در میان نظر داشته باشند. دموکراسی باید از طریق دگرگونی اجتماعی بنیان‌گذاری شود. نه اینکه صرفاً به‌عنوان یک تفکر وارد شود.

این نکته برای ایران حیاتی است. تجربه‌هایی که ایران طی قرن گذشته داشته است، از انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ تا جنبش اسلامی، هم آرمان مشارکت مردمی و هم شناوری نهادینه‌سازی‌اش را نشان می‌دهند. وقتی شکل‌های دموکراتیک از بافت اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی خود جدا می‌شوند، براحتی تصاحب می‌شوند یا از بین می‌روند. بنابراین بروژه بنیان‌گذاری دموکراسی در ایران باید خلاقانه، ریشه‌دار در سنت‌های داخلی و بر پایه نظمی اجتماعی-اقتصادی نوین باشد که مشارکت را بایدار کند.

سنت مشارکتی

نظریه‌پردازان سیاسی در زمینه سنت مشارکتی این‌طور استدلال می‌کنند که دموکراسی نه‌تنها مکانیسمی برای تصمیم‌گیری، بلکه شیوه‌ای برای توسعه فضیلت‌هاست. کاول باتمن اصرار دارد که مشارکت کارگر تربیتی دارد: از این قرار که شهروندان دموکراتیک‌ویژه را یاد خودحکومتی می‌آموزند. نه با وگذاری همه که شهروندان در تعهد متقابل و اعتماد به یکدیگر پیوند خورده‌اند. اشا و مهر در کنار هم زبانی اخلاقی ایجاد می‌کنند که می‌تواند همه ایرانیان را فراتر از شکاف‌های طبقاتی، منطقه‌ای و اعتقادی متحد کند. آنها اجرای دموکراسی را نه صرفاً به‌عنوان رویه‌ای و اردانی، بلکه همچون بازگشتی به منابع اخلاقی عمیقاً ریشه‌دار در تمدن ایرانی تضمین می‌کنند. بنابراین، مدلی که در این مقاله ارائه می‌شود، دموکراسی همزمان مشارکتی و اجتماعی-اقتصادی را پیش‌رو قرار می‌دهد. هر شهروندی، از منظر سیاسی، موظف است در شوراهای چرخشی خدمت کند و هرماه تا ۱۰ ساعت مشارکت اجتماعی داشته باشد. هر بنگاه تجاری، از منظر اقتصادی، باید ۲۰ درصد از سهامش را به جامعه اختصاص بدهد. منابع نفت و گازکشور هم در صندوق سرمایه ملی حفظ می‌شود و وری کارآفرینی و توسعه سرمایه‌گذاری می‌کند. این مدل با پیوند حقوق سیاسی به تعهدات اقتصادی و اخلاق فرهنگی شرایطی می‌آفریند که دموکراسی فراتر از تفکری انتزاعی شکل بگیرد. دموکراسی به شیوه‌ای زیسته بدل می‌شود که از طریق نهادها ساخته شده است، اما همبستگی پایدار مانده و با منابع مشترک ممکن شده است. بخش‌های بعدی پایه‌های فلسفی این مدل را در سنت‌های دموکراسی مشارکتی، جمهوری‌گری مدنی، کمونیتاریسم و نظام اخلاقی ایرانی مهر و اشا توسعه می‌دهند. سپس طراحی نهادی به تفصیل تبیین می‌شود و تحلیل مقایسه‌ای با پیشینه‌های تاریخی و مدرن ارائه می‌شود. مزایا و چالش‌های این نظام ارزیابی می‌شوند و مقاله با بررسی امکان‌پذیری اجرای این مدل به پایان می‌رسد. به‌عنوان بخشی از کارآمد دموکراتیک و به‌مثابه چارچوبی با اهمیت گسترده‌تر برای جوامعی که با بحران‌های مشابه حکمرانی روبه‌رو هستند.

باید از طریق حکمرانی فعال زیسته شود. از نظریه جمهوری‌گری این اصل را می‌گیرد که آزادی به‌معنای عدم سلطه است که با تعهد مدنی پایدار می‌ماند. از کمونیتاریسم و انسان‌شناسی این اصل را می‌گیرد که همبستگی و تعامل متقابل برای شکوفایی انسانی ضروری است. از اندیشه اخلاقی ایرانی هم اصول اشا و مهر را می‌گیرد، که حقیقت، نظم، شفقت و اعتماد را همسته اخلاقی حکمرانی می‌کنند.

دموکراسی را نمی‌توان وارد یا کپی کرد. چنین نظامی باید از طریق نهادهایی بنیان گذاشته شود که جامعه را دگرگون می‌کنند و ظرفیت و تعهد خودحکومتی به شهروندان می‌بخشند. مدل پیشنهادی حاضر، با جای‌دادن مشارکت در سیاست، اقتصاد و فرهنگ در هر سطح جامعه ایرانی، برای دستیابی به این امر طراحی شده است.

بخش دوم: طراحی نهادی

مقیاس ۳۱۰ جامعه محلی

جمعیت تقریبا ۸۵ میلیونی ایران را می‌توان در قالب ۳۱۰ دولت محلی اجتماعی سازمان داد که هرکدام نماینده حدود ۲۷۵ هزار شهروند باشند. این جغرافیا در قالب حوزه‌های انتخابیه پارلمانی برای انتخابات مجلس موجودیت می‌یابد؛ انتخاباتی که بیش از ۴۵ سال است برگزار می‌شوند. البته انتخابات مذکور اغلب تحت شرایط محدود برگزار شده‌اند. اما حوزه‌های انتخابیه برای شهروندان باقی مانده‌اند و بنیادی آماده برای بازسازی دموکراتیک فراهم می‌آورند. با ریشه‌دارکردن دموکراسی مشارکتی در این واحدها آشنا، مدل پیشنهادی از اشکنتی ابعاد جغرافیاهای موجود و در عین حال مرزهای موجود را برای حکمرانی دموکراتیک بازسازی می‌کند.

هر جامعه ۲۷۵ هزار نفری به نوع خوشه ۵۵ هزار نفری تقسیم می‌شود که هرکدام شامل پنج واحد اصلی ۱۱ هزار نفری است. این واحد اصلی ۱۱ هزار نفری بلوک ساختاری اساسی حکمرانی مشارکتی است. این واحد آن‌قدر کوچک است که شهروندان بتوانند مشورتی انگلیزار با یکدیگر داشته باشند و در عین حال آن‌قدر بزرگ هست که تنوع دیداه داشته باشد. شوراها از این واحدها از طریق قرعه‌کشی انتخاب می‌شوند و به‌دبرتیب شرکت مشارکت هم در قالب کلی و هم به‌شکل نمایندگی است.

شوراهای تودرتو و تبادل نظر

تمامی نهادهای این دموکراسی مشارکتی، ایجاد متعددی را یکپارچه می‌کند. شوراهای تودرتو برابری سیاسی را عملیاتی می‌کنند. خدمات عمومی و کارمدنی مسئولیت می‌آورد. سهام جامعه، رفاه مشترک را تضمین می‌کند. صندوق سرمایه ملی دارایی‌های عمومی را برای نسل‌های آینده حفظ می‌کند. فناوری بلاکچین شفافیت را به ارمغان می‌آورد و فساد را کاهش می‌دهد. چنین نظامی نه‌تنها مشارکتی، بلکه تاب‌آور است. شوراهای رأی‌ها پی‌می‌روارند، آن را در زندگی اجتماعی-اقتصادی جای می‌دهند و از طریق اخلاق فرهنگی تقویت می‌کند. با متحدساختن جامعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نظامی شفافیت و سنت اخلاقی، این طراحی نهادی شرایطی می‌آفریند که دموکراسی در ایران با نظامی پایدار و اصیل بنیان گذاشته شود.

بخش سوم: تحلیل مقایسه‌ای

آتن باستان: چرخش و کارگرد تربیتی

دموکراسی آتنی در قرن‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد را اغلب نخستین مدل مشارکت شهروندی می‌دانند. ویژگی ممتاز آن، استفاده از قرعه‌کشی برای پرکردن تمامی مناصب عمومی بود. اعضای بولا یا «شورای ۵۰۰» خلق قرعه‌کشی سالانه انتخاب می‌شدند و این روش به‌صورت چرخشی ادامه داشت تا از پیدایشدن قشری دائمی در حوزه سیاست جلوگیری شود. شهروندان به این ترتیب حکمرانی را به‌طور مستقیم تجربه می‌کردند و مهارت‌های مدیریت و قضاوت را از طریق خدمت کسب می‌کردند.

مدل ایرانی با الزام هر شهروند به خدمت در شوراهای انتخاب‌شده از طریق قرعه‌کشی، آن هم دست‌کم یک بار در طول عمرش، این اصل را به کار می‌گیرد. البته با جاسازی مشارکت نه‌تنها در سیاست، بلکه در اقتصاد از طریق سهام اجباری و تعهدات کار مدنی، از این هم فراتر می‌رود. دیگر اینکه مدل آتنی محدود به شهروندان مرد بود و بردگان، بیگانگان و زنان را از این ساختار کنار می‌گذاشت. اما مدل پیشنهادی ایرانی شمول جهانی را بدون توجه به جنسیت، طبقه یا منشأ در نظر می‌گیرد. بنابراین، کاستی‌های مشارکت آتنی را اصلاح و آن را مدرن می‌کند.

مدل ایرانی این اصل را تعمیم می‌دهد. به‌جای محدودسازی مالکیت به کارگران درون بنگاه، همه بنگاه‌ها را وادار می‌کند ۲۰ درصد از سهام خود را به جامعه اطراف خود اختصاص بدهند. این رویکرد تضمین می‌کند که منافع فعالیت اقتصادی به همه شهروندان برسد، نه صرفاً کارکنان. علاوه بر این، درآمدها از صندوق سرمایه ملی سرمایه‌گذاری برای کارآفرینان فراهم می‌آورند و یکی از چالش‌های مدل‌های تعاونی، یعنی دسترسی محدود به امور مالی، را برطرف می‌کنند. در واقع موندراگون امکان‌پذیری دموکراسی کارگری را نشان می‌دهد، اما مدل پیشنهادی ایرانی با تعمیم این اصل، دامنه‌اش را گسترده‌تر می‌کند.

سوئیس: پارانمنه‌ی و تعادل فدرال

دموکراسی سوئیسی مقایسه دیگری ارائه می‌دهد. شهروندان سوئیسی در رفراندوم‌های سطوح متعدد به‌طور مستقیم شرکت می‌کنند و بعضی کانتون‌ها هنوز لندزمایندده (مجمع مردمی) را تمرین می‌کنند؛ جایی که شهروندان در مجمعی گرد هم می‌آیند تا رأی بدهند. اصل پارانمنه‌ی که تصمیم‌ها را در کوچک‌ترین سطح ممکن می‌گیرد، به سوئیس اجازه داده تنوع فرهنگی و زبانی را مدیریت و انسجام ملی را حفظ کند.

مدل ایرانی این پارانمنه‌ی را از طریق شوراهای تودرتو در سطوح از هر نفری، ۵۵ هزار نفری و ۲۷۵ هزار نفری به اشتراک می‌گذارد که در قالب ۳۱۰ جامعه در سرتاسر کشور قرار نداده‌اند. فدرالیسم سوئیسی دموکراسی مستقیم را با نهادهای نمایندگی پیوند می‌دهد. اما مجارستان بیستمهای ایران نمایندگان دائمی را کاملا حذف می‌کند و شوراهای چرخشی و نمایندگان قابل فراخوان را جایگزین آنها می‌کند. علاوه بر این، سوئیس سهام اقتصادی را در چارچوب سیاسی ادغام نمی‌کند. درحالی‌که مدل ایرانی مالکیت مشترک را از طریق سهام جامعه و صندوق سرمایه ملی نهادینه می‌کند.

پورتوآلگره: بودجه‌ریزی مشارکتی

شهر برزیلی پورتوآلگره با معرفی بودجه‌ریزی مشارکتی در سال ۱۹۸۹ به مرجعی جهانی تبدیل شد. در این نظام از شهروندان دعوت می‌شد تا درباره بودجه شهرداری و تخصیص آب به بخش‌های مختلف، بحث و تبادل نظر کنند. این فرایند هم سالانه بود اما فراتر رفت و دامنه دیگر شمول و زیرساخت‌ها را در محله‌های فقیرتر بهبود می‌بخشید. مدل ایرانی بر این میراث بنا می‌شود. اما آن را از صرفاً بودجه‌ریزی به همه کارگردهای حکمرانی گسترش می‌دهد. شوراها به جای جلسه‌های دوره‌ای، مدام در سطوح محلی و منطقه‌ای حضور دارند. علاوه بر این، نظام پورتوآلگره در برابر تغییرات سیاسی آسیب‌پذیر ماند — و وقتی حامیان چپ کنار رفتند، بودجه حذف شد. اما مدل ایرانی این شکنندگی را از طریق خدمت اجباری شهروندی و فناوری بلاکچین برطرف می‌کند. طوری که شهروندان سهمی در موفقیت اقتصادی دارند. بدین‌ترتیب، این نظام کارآفرینی را با همبستگی ترکیب می‌کند، طوری که از نارکامی‌های جمع‌گرایی و بی‌عدالتی‌های سرمایه‌داری بی‌مهار اجتناب شود.

بلاکچین و شفافیت

پیچیدگی‌های معمول برای هماهنگی ۳۱۰ جامعه، شوراهای تودرتو و هزاران بنگاه تجاری، وجود مکانیسم‌هایی از شفافیت و پاسخ‌گویی را الزامی می‌کند. در اینجا، به‌کارگیری فناوری بلاکچین برای نظارت بر شهروندی، دفترهای کل بلاکچین می‌توانند تصمیم‌های شوراها، تخصیص بودجه‌ها و سهام‌ها را به‌شکلی غیرقابل تغییر ثبت کنند. این ثبت‌ها برای همه شهروندان قابل دسترس هستند.

برای نمونه: صندوق سهام هر جامعه را می‌توان به‌طور شفاف روی بلاکچین ردیابی کرد و بدین‌ترتیب توزیع بودجه‌های عادلانه خواهد بود.

- بازنویسی‌های مالیاتی از مجربه به جوامع را می‌توان در زمان واقعی ممیزی کرد.
- تبادل نظرات و رأی‌گیری‌های شوراها را می‌توان در دفترهای کل امن و عمومی ثبت کرد تا فساد و دستکاری محدود شود.

این نظام با به‌کارگیری بلاکچین در سطوح محلی و ملی اعتمادی مبتنی بر فناوری را برای توفیق اعتماد مدنی به کار می‌گیرد. شهروندان دیگر صرفا به صداقت مقامات چشم ندارند، بلکه می‌توانند جریان منابع و تصمیم‌ها را به‌طور مستقل تأیید کنند. این نوآوری امکان تصاحب توسط اقشاری خاص را کاهش می‌دهد، کارایی را بهبود می‌بخشد و به شهروندان قدرت می‌دهد تا نهادها را بامسخ‌گو نگه دارند.

تعهدات مدنی جهانی

دو تعهد عمومی همه شهروندان را به این نظام پیوند می‌دهد:

خدمات شورایی: هر بزرگسالی باید دست‌کم یک بار در طول عمرش در شورای مشورتی خدمت کند. رویدی که از طریق قرعه‌کشی انجام می‌شود. این تعهد مشارکتی همه‌جانبه و مواجهه برابر با حکمرانی را تضمین می‌کند.

کارمندی: هر بزرگسالی ماهانه ۱۰ ساعت در پروژه‌های جامعه‌محور، از نگهداری زیرساخت‌ها و بازسازی زیست‌محیطی تا کارهای مراقبتی و آموزشی، شرکت می‌کند. این کمک‌ها تعلق دموکراتیک را ملموس می‌کنند و حس وابستگی متقابل را با فرقیتی می‌کنند: مسئله‌ای که مطالعات انسان‌شناسی برای شکوفایی انسانی حیاتی می‌دانند. این تعهدات در کنار هم دموکراسی را بر پایه‌ی کاوه‌ها که شیوه زیسته مدوام تبدیل می‌کنند.

منطق نهادی

طراحی نهادی این دموکراسی مشارکتی، ایجاد متعددی را یکپارچه می‌کند. شوراهای تودرتو برابری سیاسی را عملیاتی می‌کنند. خدمات عمومی و کارمدنی مسئولیت می‌آورد. سهام جامعه، رفاه مشترک را تضمین می‌کند. صندوق سرمایه ملی دارایی‌های عمومی را برای نسل‌های آینده حفظ می‌کند. فناوری بلاکچین شفافیت را به ارمغان می‌آورد و فساد را کاهش می‌دهد. چنین نظامی نه‌تنها مشارکتی، بلکه تاب‌آور است. شوراهای رأی‌ها پی‌می‌روارند، آن را در زندگی اجتماعی-اقتصادی جای می‌دهند و از طریق اخلاق فرهنگی تقویت می‌کند. با متحدساختن جامعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، این طراحی نهادی شرایطی می‌آفریند که دموکراسی در ایران با نظامی پایدار و اصیل بنیان گذاشته شود.

بخش سوم: تحلیل مقایسه‌ای

آتن باستان: چرخش و کارگرد تربیتی

دموکراسی آتنی در قرن‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد را اغلب نخستین مدل مشارکت شهروندی می‌دانند. ویژگی ممتاز آن، استفاده از قرعه‌کشی برای پرکردن تمامی مناصب عمومی بود. اعضای بولا یا «شورای ۵۰۰» خلق قرعه‌کشی سالانه انتخاب می‌شدند و این روش به‌صورت چرخشی ادامه داشت تا از پیدایشدن قشری دائمی در حوزه سیاست جلوگیری شود. شهروندان به این ترتیب حکمرانی را به‌طور مستقیم تجربه می‌کردند و مهارت‌های مدیریت و قضاوت را از طریق خدمت کسب می‌کردند.

مدل ایرانی با الزام هر شهروند به خدمت در شوراهای انتخاب‌شده از طریق قرعه‌کشی، آن هم دست‌کم یک بار در طول عمرش، این اصل را به کار می‌گیرد. البته با جاسازی مشارکت نه‌تنها در سیاست، بلکه در اقتصاد از طریق سهام اجباری و تعهدات کار مدنی، از این هم فراتر می‌رود. دیگر اینکه مدل آتنی محدود به شهروندان مرد بود و بردگان، بیگانگان و زنان را از این ساختار کنار می‌گذاشت. اما مدل پیشنهادی ایرانی شمول جهانی را بدون توجه به جنسیت، طبقه یا منشأ در نظر می‌گیرد. بنابراین، کاستی‌های مشارکت آتنی را اصلاح و آن را مدرن می‌کند.

مدل ایرانی این پارانمنه‌ی را از طریق شوراهای تودرتو در سطوح از هر نفری، ۵۵ هزار نفری و ۲۷۵ هزار نفری به اشتراک می‌گذارد که در قالب ۳۱۰ جامعه در سرتاسر کشور قرار نداده‌اند. فدرالیسم سوئیسی دموکراسی مستقیم را با نهادهای نمایندگی پیوند می‌دهد. اما مجارستان بیستمهای ایران نمایندگان دائمی را کاملا حذف می‌کند و شوراهای چرخشی و نمایندگان قابل فراخوان را جایگزین آنها می‌کند. علاوه بر این، سوئیس سهام اقتصادی را در چارچوب سیاسی ادغام نمی‌کند. درحالی‌که مدل ایرانی مالکیت مشترک را از طریق سهام جامعه و صندوق سرمایه ملی نهادینه می‌کند.

پورتوآلگره: بودجه‌ریزی مشارکتی

شهر برزیلی پورتوآلگره با معرفی بودجه‌ریزی مشارکتی در سال ۱۹۸۹ به مرجعی جهانی تبدیل شد. در این نظام از شهروندان دعوت می‌شد تا درباره بودجه شهرداری و تخصیص آب به بخش‌های مختلف، بحث و تبادل نظر کنند. این فرایند هم سالانه بود اما فراتر رفت و دامنه دیگر شمول و زیرساخت‌ها را در محله‌های فقیرتر بهبود می‌بخشید. مدل ایرانی بر این میراث بنا می‌شود. اما آن را از صرفاً بودجه‌ریزی به همه کارگردهای حکمرانی گسترش می‌دهد. شوراها به جای جلسه‌های دوره‌ای، مدام در سطوح محلی و منطقه‌ای حضور دارند. علاوه بر این، نظام پورتوآلگره در برابر تغییرات سیاسی آسیب‌پذیر ماند — و وقتی حامیان چپ کنار رفتند، بودجه حذف شد. اما مدل ایرانی این شکنندگی را از طریق خدمت اجباری شهروندی و فناوری بلاکچین برطرف می‌کند. طوری که شهروندان سهمی در موفقیت اقتصادی دارند. بدین‌ترتیب، این نظام کارآفرینی را با همبستگی ترکیب می‌کند، طوری که از نارکامی‌های جمع‌گرایی و بی‌عدالتی‌های سرمایه‌داری بی‌مهار اجتناب شود.

موندراگون: تعاونی‌های کارگری و دموکراسی اقتصادی

فعالیت‌های شرکت موندراگون در منطقه باسک اسپانیا حاکی از آن است که مالکیت تعاونی و حکمرانی دموکراتیک می‌تواند رقابت‌پذیری اقتصادی را پایدار کند. این شرکت در سال ۱۹۵۶ تأسیس گذاشته شد. موندراگون براساس اصل «یک نفر، یک رأی» عمل کرده و سودها را به‌طور عادلانه میان مالکان و کارگران تقسیم می‌کند. مدل ایرانی همین اصل را تعمیق می‌دهد. به‌جای محدودسازی مالکیت به کارگران درون بنگاه، همه بنگاه‌ها را وادار می‌کند ۲۰ درصد از سهام خود را به جامعه اطراف خود اختصاص بدهند. این رویکرد تضمین می‌کند که منافع فعالیت اقتصادی به همه شهروندان برسد، نه صرفاً کارکنان. علاوه بر این، درآمدها از صندوق سرمایه ملی سرمایه‌گذاری برای کارآفرینان فراهم می‌آورند و یکی از چالش‌های مدل‌های تعاونی، یعنی دسترسی محدود به امور مالی، را برطرف می‌کنند. در واقع موندراگون امکان‌پذیری دموکراسی کارگری را نشان می‌دهد، اما مدل پیشنهادی ایرانی با تعمیم این اصل، دامنه‌اش را گسترده‌تر می‌کند.

سوئیس: پارانمنه‌ی و تعادل فدرال

دموکراسی سوئیسی مقایسه دیگری ارائه می‌دهد. شهروندان سوئیسی در رفراندوم‌های سطوح متعدد به‌طور مستقیم شرکت می‌کنند و بعضی کانتون‌ها هنوز landsmeinde (مجمع مردمی) را تمرین می‌کنند؛ جایی که شهروندان در مجمعی گرد هم می‌آیند تا رأی بدهند. اصل پارانمنه‌ی که تصمیم‌ها را در کوچک‌ترین سطح ممکن می‌گیرد، به سوئیس اجازه داده تنوع فرهنگی و زبانی را مدیریت و انسجام ملی را حفظ کند.

مدل ایرانی این پارانمنه‌ی را از طریق شوراهای تودرتو در سطوح از هر نفری، ۵۵ هزار نفری و ۲۷۵ هزار نفری به اشتراک می‌گذارد که در قالب ۳۱۰ جامعه در سرتاسر کشور قرار نداده‌اند. فدرالیسم سوئیسی دموکراسی مستقیم را با نهادهای نمایندگی پیوند می‌دهد. اما مجارستان بیستمهای ایران نمایندگان دائمی را کاملا حذف می‌کند و شوراهای چرخشی و نمایندگان قابل فراخوان را جایگزین آنها می‌کند. علاوه بر این، سوئیس سهام اقتصادی را در چارچوب سیاسی ادغام نمی‌کند. درحالی‌که مدل ایرانی مالکیت مشترک را از طریق سهام جامعه و صندوق سرمایه ملی نهادینه می‌کند.

پورتوآلگره: بودجه‌ریزی مشارکتی

شهر برزیلی پورتوآلگره با معرفی بودجه‌ریزی مشارکتی در سال ۱۹۸۹ به مرجعی جهانی تبدیل شد. در این نظام از شهروندان دعوت می‌شد تا درباره بودجه شهرداری و تخصیص آب به بخش‌های مختلف، بحث و تبادل نظر کنند. این فرایند هم سالانه بود اما فراتر رفت و دامنه دیگر شمول و زیرساخت‌ها را در محله‌های فقیرتر بهبود می‌بخشید. مدل ایرانی این پرتو را بر میراث بنا می‌شود. اما آن را از صرفاً بودجه‌ریزی به همه کارگردهای حکمرانی گسترش می‌دهد. شوراها به جای جلسه‌های دوره‌ای، مدام در سطوح محلی و منطقه‌ای حضور دارند. علاوه بر این، نظام پورتوآلگره در برابر تغییرات سیاسی آسیب‌پذیر ماند — و وقتی حامیان چپ کنار رفتند، بودجه حذف شد. اما مدل ایرانی این شکنندگی را از طریق خدمت اجباری شهروندی و فناوری بلاکچین برطرف می‌کند. طوری که شهروندان سهمی در موفقیت اقتصادی دارند. بدین‌ترتیب، این نظام کارآفرینی را با همبستگی ترکیب می‌کند، طوری که از نارکامی‌های جمع‌گرایی و بی‌عدالتی‌های سرمایه‌داری بی‌مهار اجتناب شود.

بلاکچین و شفافیت

پیچیدگی‌های معمول برای هماهنگی ۳۱۰ جامعه، شوراهای تودرتو و هزاران بنگاه تجاری، وجود مکانیسم‌هایی از شفافیت و پاسخ‌گویی را الزامی می‌کند. در اینجا، به‌کارگیری فناوری بلاکچین برای نظارت بر شهروندی، دفترهای کل بلاکچین می‌توانند تصمیم‌های شوراها، تخصیص بودجه‌ها و سهام‌ها را به‌شکلی غیرقابل تغییر ثبت کنند. این ثبت‌ها برای همه شهروندان قابل دسترس هستند.

برای نمونه: صندوق سهام هر جامعه را می‌توان به‌طور شفاف روی بلاکچین ردیابی کرد و بدین‌ترتیب توزیع بودجه‌های عادلانه خواهد بود.

- بازنویسی‌های مالیاتی از مجربه به جوامع را می‌توان در زمان واقعی ممیزی کرد.
- تبادل نظرات و رأی‌گیری‌های شوراها را می‌توان در دفترهای کل امن و عمومی ثبت کرد تا فساد و دستکاری محدود شود.

این نظام با به‌کارگیری بلاکچین در سطوح محلی و ملی اعتمادی مبتنی بر فناوری را برای توفیق اعتماد مدنی به کار می‌گیرد. شهروندان دیگر صرفا به صداقت مقامات چشم ندارند، بلکه می‌توانند جریان منابع و تصمیم‌ها را به‌طور مستقل تأیید کنند. این نوآوری امکان تصاحب توسط اقشاری خاص را کاهش می‌دهد، کارایی را بهبود می‌بخشد و به شهروندان قدرت می‌دهد تا نهادها را بامسخ‌گو نگه دارند.

تعهدات مدنی جهانی

دو تعهد عمومی همه شهروندان را به این نظام پیوند می‌دهد:

خدمات شورایی: هر بزرگسالی باید دست‌کم یک بار در طول عمرش در شورای مشورتی خدمت کند. رویدی که از طریق قرعه‌کشی انجام می‌شود. این تعهد مشارکتی همه‌جانبه و مواجهه برابر با حکمرانی را تضمین می‌کند.

کارمندی: هر بزرگسالی ماهانه ۱۰ ساعت در پروژه‌های جامعه‌محور، از نگهداری زیرساخت‌ها و بازسازی زیست‌محیطی تا کارهای مراقبتی و آموزشی، شرکت می‌کند. این کمک‌ها تعلق دموکراتیک را ملموس می‌کنند و حس وابستگی متقابل را با فرقیتی می‌کنند: مسئله‌ای که مطالعات انسان‌شناسی برای شکوفایی انسانی حیاتی می‌دانند. این تعهدات در کنار هم دموکراسی را بر پایه‌ی کاوه‌ها که شیوه زیسته مدوام تبدیل می‌کنند.

منطق نهادی

طراحی نهادی این دموکراسی مشارکتی، ایجاد متعددی را یکپارچه می‌کند. شوراهای تودرتو برابری سیاسی را عملیاتی می‌کنند. خدمات عمومی و کارمدنی مسئولیت می‌آورد. سهام جامعه، رفاه مشترک را تضمین می‌کند. صندوق سرمایه ملی دارایی‌های عمومی را برای نسل‌های آینده حفظ می‌کند. فناوری بلاکچین شفافیت را به ارمغان می‌آورد و فساد را کاهش می‌دهد. چنین نظامی نه‌تنها مشارکتی، بلکه تاب‌آور است. شوراهای رأی‌ها پی‌می‌روارند، آن را در زندگی اجتماعی-اقتصادی جای می‌دهند و از طریق اخلاق فرهنگی تقویت می‌کند. با متحدساختن جامعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، این طراحی نهادی شرایطی می‌آفریند که دموکراسی در ایران با نظامی پایدار و اصیل بنیان گذاشته شود.

بخش سوم: تحلیل مقایسه‌ای

آتن باستان: چرخش و کارگرد تربیتی

دموکراسی آتنی در قرن‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد را اغلب نخستین مدل مشارکت شهروندی می‌دانند. ویژگی ممتاز آن، استفاده از قرعه‌کشی برای پرکردن تمامی مناصب عمومی بود. اعضای بولا یا «شورای ۵۰۰» خلق قرعه‌کشی سالانه انتخاب می‌شدند و این روش به‌صورت چرخشی ادامه داشت تا از پیدایشدن قشری دائمی در حوزه سیاست جلوگیری شود. شهروندان به این ترتیب حکمرانی را به‌طور مستقیم تجربه می‌کردند و مهارت‌های مدیریت و قضاوت را از طریق خدمت کسب می‌کردند.

مدل ایرانی با الزام هر شهروند به خدمت در شوراهای انتخاب‌شده از طریق قرعه‌کشی، آن هم دست‌کم یک بار در طول عمرش، این اصل را به کار می‌گیرد. البته با جاسازی مشارکت نه‌تنها در سیاست، بلکه در اقتصاد از طریق سهام اجباری و تعهدات کار مدنی، از این هم فراتر می‌رود. دیگر اینکه مدل آتنی محدود به شهروندان مرد بود و بردگان، بیگانگان و زنان را از این ساختار کنار می‌گذاشت. اما مدل پیشنهادی ایرانی شمول جهانی را بدون توجه به جنسیت، طبقه یا منشأ در نظر می‌گیرد. بنابراین، کاستی‌های مشارکت آتنی را اصلاح و آن را مدرن می‌کند.

مدل ایرانی این پارانمنه‌ی را از طریق شوراهای تودرتو در سطوح از هر نفری، ۵۵ هزار نفری و ۲۷۵ هزار نفری به اشتراک می‌گذارد که در قالب ۳۱۰ جامعه در سرتاسر کشور قرار نداده